

Sl. No of Question Paper: 5443

Unique Paper Code: 209551

Name of the Paper: Prose and Translation

Name of the Course: B. A. (Prog.) Persian Discipline

Semester: V

Duration : 3 Hours

Maximum Marks : 75

Instructions for candidates

Unless otherwise required in a question answers should be written either in English or in Hindi or in Urdu, but the same medium should be used throughout the paper.

1. Translate any two of the following passages into English or Urdu or Hindi: 30

از متون زیر فقط دو را به زبان انگلیسی یا هندی یا اردو ترجمه کنید:

(A)

صیاد فراز آمد، غزالی را که به هزار غزل و نسیب تشبیب عشق جمال لحظات و دلال خطرات اونتوان کرد. بسته دام خویش یافت، گاه در چشمش خیال غمزہ خوبان دیدی، گاه برگردنش زیور حسن دلبران بستى، با خود اندیشید که خاک جنس این حیوان از خون هزار سفله از نوع انسان بهتر، من خاک در شکم از کنم و خون او نریزم. آهو را بردوش نهاد و آهنگ بازار کرد، در راه نیک مردی پیش آمد، چشمش بر آن آهویش خوش چشم کشیده گردن افتاد. اندیشید که چنین گردنی را در چنبر بلا گذاشتن و چنین چشمی را از چشم زخم آفت نگه نداشتن از مذهب مروت دوری نماید.

(B)

اما چون بار کج هر گز به منزل نمی رسد، چند بار در شهر خودشان گیر افتادند و چون چند بار هم به زندان رفتند و باز هم دست از دزدی بر نداشته بودند حاکم شهر دستور داده بود. آنها را بشناسند، این بود که دیگر همه جا رسوا شده بودند و مردم آنها را شناخته بودند و ناچار باهم قرار گذشته بودند بروند در خارج شهر و در دهات دزدی کنند. سه دزد همدست از شهر خارج شدند و به دهات رفتند. اما در دهات همه مردم یکدیگر را می شناسند و چراغ دروغ و دغل زود تر خاموش می شود.

(C)

در ملازمت صحبت او روزگار می گذرانید و هر وقت در معاریض اشارات الکلام عرض دادی که مقصود من ازین دوستی توسلیست که از تو به خدمت پادشاه می جویم و توصلی که به دریافت این غرض می پیوندم، مگر به پایمردی اهتمام تو شرف

*****1*****

دستبوس او بیابم و در عقد حواشی و خدم آیم. نوخره می شنید و به تغافل و تجاهل بسر می برد. چون سال بر آمد و آن سعی مفید نشد، مرد طامع طمع از و برگرفت، بترک نوخره بگفت و آتش دربار منت او زد و زبان بی ازرمی دراز کرد.

2. Rewrite the following passage into simple Persian: 15

قاضی گفت. تومی گویی شاهدهی نداری و من هم غیب نمی دانم، اما داستان قرض دادن را در حضور خودش شرح بده تا ببینم چگونه می شود حقیقت را پیدا کرد. مدعی گفت: داستان این است که این مرد از چندین سال دوست من بود و من هرگز نادرستی از او ندیده بودم و او تهی دست هم نبود. خانه ای و باغی و سرمایه ای داشت. اتفاقاً خواستار دختری شد و به خواستگاری رفت و هفته ای بعد از آن زمان ازدواج را معلوم کرده بودند و دختر خواستاران دیگر داشت و آن روزها دوست من خیلی دلداه و بیقرار بود و دلتنگی می نمود و روزی باهم برای گردش به صحرا رفته بودیم و تنها بودیم و در جایی نشستیم و او شرح حالش را گفت.

3. Write a summary of any one of the following topics: 10

۱. سه دزد حریص
۲. داستان آهو و موش و عقاب
۳. برزیگر با مار

3. Write a short note on any one of the following: 10

۱. اولین پایتخت ایران
۲. شهر تهران
۳. مراکز آموزش زبان فارسی

4. Translate the following sentences into Persian : 10

1. They have not read those books.
2. He has done his home-work.
3. This sum is difficult.
4. Do not tell a lie.
5. Open your book and read the lesson.
6. Your picture is very beautiful.
7. There is an old building.
8. She is your younger sister.
9. There are Persian students in the room.
10. My mother is coming from Patna by Train.

*****2*****